اصغر کریمی

**غول جنبش رهایی زن به میدان میاید**

پدیده دختر خیابان انقلاب، قدرت و شکوه دیگری به خیزش انقلابی و آزادیخواهانه مردم ایران داده است. در جریان انقلاب بتدریج نیروهای سیاسی مختلف به میدان میایند و راه خود را به جلو باز میکنند و هر کدام راه را بر جنبش های حق طلبانه دیگر میگشایند و بدینسان انقلاب موانع را از مقابل خود برمیدارد و به جلو میرود. دختر خیابان انقلاب تنها ظرف چند هفته به سراسر کشور رسید و از یک حرکت نمادین به یک جنبش تمام عیار انقلابی تبدیل شد. جنبشی که هرچند هنوز قدم های اولیه را برمیدارد، اما غول عظیمی است که هیچ قدرتی توان مقابله با آنرا ندارد.

جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی از همان روز اول قدرت گیری اش وصله ناجوری بر جامعه بود. به این معنی که هیچ بخشی از جامعه با آن سازگاری نداشت. از کارگری که کار و رفاه و حداقل امنیت شغلی میخواست تا زنی که میخواست حداقل در نحوه لباس پوشیدنش آزاد باشد، از دختر و پسری که میخواستند دست هم را در خیابان بگیرند تا کسی که میخواست حتی موسیقی دلخواه خود را گوش کند، از جوانی که به رقص علاقه داشت تا کسی که میخواست یک آبجو بدون دخالت دولت! بنوشد، از کسی که علاقه ای به نماز و روزه و خرافه مذهب نداشت تا نویسنده ای که میخواست کتابی و یا داستانی منتشر کند و یا کسی که فقط میخواست حرمتی داشته باشد و هر روز بیجهت مورد توهین و تحقیر قرار نگیرد، و در واقع کل آحاد جامعه، جمهوری اسلامی را مانع زندگی خود میداند. حکومت عهد عتیق و کپک زده آیت الله ها با زندگی معمولی و روزمره یک جامعه چند ده میلیونی در تناقض عمیقی قرار دارد و به این معنی جمهوری اسلامی یک وصله ناجور بر پیکر این جامعه بوده است. با هیچ درجه سبعیتی جامعه ایران که جامعه ای نسبتا پیشرفته و مدرن هم بود نمیتوانست تسلیم چنین حکومتی بشود و این درجه دخالت آن در زندگی شخصی اش را، اینهمه سلب آزادی سیاسی و اجتماعی را و اینهمه اجبار را بپذیرد. کمتر حکومتی را میتوان سراغ گرفت که همه جامعه دشمن آن باشد. حتی نفس زندگی آقازاده ها و آیت الله زاده ها هم علیرغم موقعیت ممتاز آنها و امکانات اقتصادی فراوانی که در اختیار آنها قرار گرفته، با این حکومت خوانایی ندارد.

به این معنی جمهوری اسلامی به تمام معنی منزوی است. در دهه های آخر قرن بیست شرایطی دست به دست هم داد تا چنین نیرویی خارج از متن تاریخ واقعی این جامعه سر کار بیاید، اما از همان ابتدا با تناقضات خرد کننده روبرو شد. این مهمترین پاشنه آشیل حکومت بوده است. حکومتی که هیچ بخشی از جامعه جز اقلیتی بسیار محدود را با خود ندارد. امروز این نیروهای به بند کشیده شده و محروم شده از همه چیز، دارند آزاد میشوند و به میدان میایند. انقلاب در ایران نیروی عظیمی دارد و یکی از توده ای ترین انقلابات در کل تاریخ بشر در ایران شکل میگیرد. هر کس که کوچکترین آزادی اجتماعی میخواسته، چه برسد به آزادی سیاسی و رفاه و برابری، به میدان میاید. در هیچ خانه ای نیست که جمهوری اسلامی چندین دشمن قسم خورده نداشته باشد. بی دلیل نیست که جنبش های اجتماعی بسیار رنگارنگی در جامعه ایران پا به حیات گذاشته و در کنار هم برای ریشه کردن دشمن مشترک خود دست در دست هم میدهند و جمهوری اسلامی، حکومتی که از هر نظر در بحران لاعلاج قرار دارد، باید با نیرویی بسیار عظیم مقابله کند و خودش هم میداند که توانش را ندارد و در هم خواهد شکست. روشن است که پروسه سرنگونی حکومتی تا دندان مسلح که ظرفیت جنایت زیادی دارد، پیچیده است و راه همواری در مقابل انقلاب نیست. شبیه حکومت های پوشالی پهلوی و بن علی نیست. اما در عین حال روند به میدان آمدن جنبش های مختلف و طیف متنوع مردم ناراضی نشان میدهد که چگونه نیروی سرکوب ناتوان میشود، شکاف در میان باندهای حکومت تشدید میشود،‌ شروع به ریزش میکند و زمینگیر میشود. پروسه سرنگونی خود موضوع مهمی است و باید جداگانه به آن پرداخت، فقط همینقدر لازم به اشاره است که سیر اوضاع تا همینجا نشان داده است که با به میدان آمدن مردم و توده گیرتر شدن انقلاب، چگونه راه برای درهم شکستن حکومت ساده تر میشود.

انقلاب ایران یک انقلاب زنانه است و یکی از مهمترین نیروهای انقلاب در ایران، جنبش رهایی زن است. جنبشی که در تمام این چند دهه در صحنه بوده است، در سالهای گذشته نضج گرفته و در هفته های گذشته با پدیده دختر خیابان انقلاب، وحشت غیر قابل توصیفی در صفوف حکومت و نیروهای سرکوبش ایجاد کرده است. اینرا از اظهار نظر سران حکومت بخوبی میتوان مشاهده کرد.

جنبش رهایی زن، صرفا جنبشی با مطالبات زنانه نیست، غیر سیاسی نیست، غیر انقلابی نیست، صرفا مربوط به بخشی از جامعه نیست. یکی از انقلابی ترین،‌ سیاسی ترین، رادیکال ترین و اجتماعی ترین جنبش ها است که کلیت حکومت،‌ اسلام و ایدئولوژی آن، قوانین آن، ارگانهای آن،‌ تبلیغات و سیاست های آن و همه چیز این حکومت را به مصاف طلبیده است. جنبشی بسیار حق طلبانه و آزادیخواهانه برای برابری و رفع تبعیض، در دفاع از مدنیت علیه ارتجاع سیاه مذهبی، جنبشی مدرن علیه فرهنگ کپک زده ملی اسلامی. مقابله با حجاب که یکی از ستون های این جنبش و در واقع نوک پیکان این جنبش است نیز صرفا حرکتی زنانه نیست. صرفا مقابله با حجاب نیست. حرکتی است در مقابل تار و پود حکومت. جنبشی است که قلب نظام را نشانه گرفته است. این گفته بسیار عمیق و واقعی است که جمهوری اسلامی با حجاب آمد و بدون حجاب میرود و بر متن جایگاه این جنبش است که حرکت نمادین دختر خیابان انقلاب اینگونه رعشه به تن حکومت می اندازد و شور و شعف بی پایانی در میان مردم ایجاد میکند. حکومت ظرفیت این غول عظیم را بخوبی میداند. میداند که اگر تا این لحظه فقط گوشه کوچکی از این نیرو به حرکت درآمده و طوفانی بپا کرده است، هنگامی که در آینده ای نزدیک کل نیرویش آزاد شود، به تنهایی حکومت و تمام نیروی سرکوبش را زمینگیر میکند.

پیشروان جنبش کارگری باید با تمام قوا از این جنبش و از پدیده "دختر خیابان انقلاب" حمایت کنند. نه صرفا به این دلیل که هرچه این جنبش قدرت بیشتری بگیرد، توازن قوا را به نفع جنبش کارگری تغییر میدهد، و نه صرفا به این دلیل که این جنبش حق طلبانه است، بلکه به این دلیل نیز که اگر طبقه کارگر میخواهد رهبر انقلاب باشد باید از همه حرکت های حق طلبانه و از این جنبش مشخص حمایت کند و مهر خود را بر آنها بکوبد. باید پرچم دفاع از این جنبش را بلند کند و با تمام قامت، خود را صاحب آن بداند. بویژه که این جنبش در ماهیت خود چپ است و وزنه کارگر و سوسیالیسم را تقویت میکند. سنت های کهنه ای را که محمل رشد ارتجاع و پایین نگهداشتن سطح انتظار و توقع مردم از یک زندگی انسانی است، در هم میشکند و استانداردهای جامعه را بالا میبرد و فی الحال بالا برده است. این جنبش تا همین جا ضربه سنگینی به حکومت و طبقه حاکم و مذهب و ارتجاع اسلامی و کلیه احزاب و سازمانهای اسلامی در حاشیه حکومت و در اپوزیسیون زده و خدمت بزرگی به جنبش انقلابی مردم کرده است. این جنبش این ظرفیت را دارد که همبستگی بین المللی قدرتمند و بسیار توده ای را در سراسر جهان با مردم ایران برانگیزد و حامیان واقعی انقلاب مردم ایران را علیه سازش ها و توطئه های دول غربی علیه مردم ایران به حرکت درآورد. وظیفه هر سوسیالیستی، هر جریان آزادیخواه و رادیکالی و هر فعال پیشرو جنبش کارگری و هر فعال اجتماعی مترقی است که نه تنها از این جنبش دفاع کند، بلکه با تمام قوا برای دامن زدن به آن و تقویت آن قدم بردارد.